

بررسی رابطه‌ی هویت ملی و هویت قومی در بین دانشجویان ترک‌زبان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهدین شهر در سال ۱۳۸۶^۱

* بهراد اسدی

** نسرین خدابخشی هفشجانی

*** سیاوش سکاکی

کد مقاله: ۲۸۵

چکیده

هدف از این تحقیق، بررسی میزان هویت جمعی، به معنی احساس تعلق، تعهد یا افتخار نسبت به هر یک از هویت‌های قومی و ملی و نیز مطالعه برجستگی‌های درونی این هویت‌ها، به معنی تشخیص و تحلیل شدت و ضعف این تعلق‌ها، در ابعاد مختلف زندگی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهدین شهر می‌باشد. همچنین سؤال‌های اصلی تحقیق که در پی پاسخ‌گویی به آن هستیم عبارتند از: میزان هویت قومی و ملی (با احتساب ابعاد آن) در میان دانشجویان چگونه است؟ آیا میان دو هویت ملی و قومی اثرگذاری متقابلی وجود دارد که می‌توان میزان تبعیت و تداخل آن‌ها در یکدیگر را به صورت مؤلفه‌های مشخص شناسایی قرار داد و پی‌گیری کرد؟ بر همین اساس متغیرها و فرضیه‌ها از دیدگاه نظری عمده، یعنی تنوری جان اسمیت، نظریه فینی^۱، جان رکس^۲ و پارسونز و همچنین مطالعه و تحقیق‌های پیشین، برای تبیین هویت قومی و ملی دانشجویان استنتاج شده است. نوع تحقیق پیمایشی از نوع همبستگی می‌باشد و برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه که پس از تعریف و انتخاب معرف‌های مناسب برای هر یک از متغیرها، در قالب گویه‌ها و پرسش‌هایی که بر مبنای مقیاس طیف لیکرت تنظیم خواهد شد، مورد استفاده قرار می‌گیرد، و نیز از شیوه نمونه‌گیری تصادفی قشربندی شده (طبقه‌بندی شده) چندمرحله‌ای استفاده شده است. حجم نمونه انتخابی ۲۷۶ نفر می‌باشد که از جامعه آماری تعداد ۱۰۵۰ نفر از میان دانشجویان دانشگاه آزاد واحد مشهدین شهر در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ گزینش شده‌اند. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از روش‌های آماری استنباطی مانند تحلیل واریانس یک‌طرفه، آزمون T، ضرایب همبستگی پیرسون، رگرسیون چندمتغیره و با بهره‌گیری از نرم‌افزار رایانه‌ای SPSS مورد تحلیل آماری گرفت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد میزان هویت ملی (۸۱/۳) و هویت قومی (۸۲/۳) بوده، وزن‌های بتا نشان می‌دهد، بعد تاریخ هویت ملی با ضریب ۰/۵۲ بیشترین تاثیر مثبت را بر هویت قومی دارد، بعد از آن بعد زبان و ادبیات فارسی با ضریب (-۰/۳۴) تاثیر منفی دارد، سایر ابعاد هویت ملی از مدل تحلیل خارج شده است، و نیز هویت قومی بیشترین رابطه را با بعد زبان ترکی خود برقرار می‌کند، در مورد هویت ملی باید گفت که بعد تاریخ هویت قومی با ضریب بتا ۰/۴۰۷ بیشترین سهم را به صورت مثبت در تبیین هویت ملی دارد، اما بعد زبان با ضریب (-۰/۲۳) به صورت منفی با آن ارتباط دارد، هویت ملی بیشترین ارتباط را با بعد تاریخی و سرزمین خود برقرار می‌کند. پیشنهاد می‌شود، تقابل بین دو زبان (ترکی و فارسی) با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری از سوی مسئول‌های دانشگاه می‌تواند این موضوع را از تهدید به فرصت تبدیل نماید، لذا اطلاع‌رسانی به استادان جهت پُرکردن خلاء رابطه بین این دو متغیر اجتناب‌ناپذیر می‌باشد، که باید توسط استادان به‌ویژه در حوزه ادبیات، حل شود، همچنین با توجه به علاقه‌مندی دانشجویان به زبان و ادبیات ترکی، برگزاری برنامه مختلف در حوزه شهر و زبان باعث تقویت شکل‌گیری هویت جمعی خواهد شد، تاثیر مثبت بعد تاریخی هویت قومی بر روی هویت ملی و برعکس می‌تواند به عنوان نیروی پتانسیل قوی در جهت افزایش رابطه دو هویت مؤثر قرار گیرد.

واژگان کلیدی: هویت قومی، هویت ملی، قومیت، ملیت، زبان ترکی.

۱- مقاله حاضر براساس گزارش نهایی طرح مصوب معاونت پژوهشی واحد مشهدین شهر به مجوز ۱۰۰۱۸-۷۱۰۱-۰۲ مورخه ۸۷/۱۲/۱۴ تحت عنوان «بررسی رابطه‌ی هویت ملی و هویت قومی در بین دانشجویان ترک‌زبان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهدین شهر در سال ۱۳۸۶» تدوین گردیده است.

E-mail: behrad-asadi-52@yahoo.com

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مشهدین شهر.

** عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی خلخال

*** پژوهشگر و مدرس دانشگاه.

مقدمه

کشورهایی که از تکثر و تنوع قومی - زبانی برخوردارند، یکپارچه‌سازی سرزمینی و ملی را از وظایف اولیه و فوری خود به حساب می‌آورند. با توجه به مشکلات گوناگونی که این قبیل کشورها با آن مواجه می‌باشد، بررسی میزان همبستگی نواحی و مسایل یکپارچه‌سازی ملی هم‌چنان در کانون توجه صاحب‌نظران رشته‌های مختلف علوم اجتماعی باقی مانده است (درایسدل و دیگری، ۱۳۷۳، ص ۲۶۳). کشور ایران از این نظر در یک شرایط خاص و ویژه قرار دارد، با توجه به تنوع قابل ملاحظه و پراکندگی گروه‌های قومی - زبانی در گستره جغرافیایی کشور، بررسی میزان همبستگی این گروه‌های قومی - زبانی با مرکزیت کشور و عوامل تقویت‌کننده (و تضعیف‌کننده آن) اهمیت زیادی دارد، به ویژه اکنون که فضای سیاسی حاضر، شکل‌گیری تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متفاوتی را، هم در سطح منطقه و هم در سطح جهانی، در پی دارد. در این میان با در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی مناطق آذری‌نشین ایران (هم‌مرزی با کشور جمهوری آذربایجان) فرصت‌ها و آسیب‌پذیری کشور به طور جدی باید مورد عنایت قرار گیرد (کفاش جمشید، ۱۳۸۲، ص ۱۸۶). هم‌چنان که مطالعه تحولات قومی تاریخ معاصر نیز حکایت از این موضوع دارد، که می‌توان به قیام شیخ محمد خیابانی (۱۲۹۸ ه.ش)، تشکیل دولت خودمختار توسط حزب دمکرات آذربایجان (۱۲۲۴ ه.ش)، تشکیل حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان (۱۳۵۷ ه.ش) و نیز ناسیونالیست‌های آن سوی ارس و ایده آذربایجان واحد و احیای پان‌ترکیسم در ترکیه، تلاش برای ایجاد تنش در میان ترک‌های ایران در دهه‌های اخیر (مقصدی، ۱۳۸۰) و واکنش اخیر آذری‌ها به اهانت درج شده در یکی از روزنامه‌ها به ملیت ترک، همه بر وجود نیروی پتانسیل عظیم در میان ملیت ترک‌های آذربایجان ایران، از یک سوی به عنوان نیروهای وحدت‌بخش و از سوی دیگر نیروهای مرکزگرای و تفرقه‌انداز حکایت دارد. با توجه به تاریخ، فرهنگ و نیز تحولات سیاسی و اجتماعی در آذربایجان ایران که خود به عنوان بزرگترین گروه قومی - زبانی در ایران به شمار می‌رود. تداعی این سؤال است که جوهر این هویت قومی در رابطه با یکپارچگی و وفاق اجتماعی در کل کشور و نیز هویت ملی - ایرانی چگونه می‌باشد؟

بر اساس همین مشکل و سؤال اساسی، در این پژوهش به طرح و بررسی رابطه بین هویت قومی - زبانی با هویت ملی در بین ترک‌های آذربایجان ایران پرداخته می‌شود. و به

همین دلیل سعی بر این است که رابطه بین هویت ملی و قومی از دیدگاه دیگری مورد بررسی قرار گیرد.

در مورد مؤلفه‌های هویت ملی، اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم انسانی، دیدگاه‌های متفاوتی دارند، هم‌چنان که در تحقیقات مختلف هویت ملی ابعاد و تقسیم‌بندی‌های مختلف دارند که در برخی از آن‌ها به بعد فلسفی، روانی، فرهنگی و اجتماعی (الطائی، ۱۳۷۸) و در برخی دیگر به بعد تاریخی، سرزمین و جغرافیا، سیاسی و نهاد دولت، مردم، میراث فرهنگی، دین و میراث معنوی (احمدی، ۱۳۸۲؛ حبیب‌الو، ۱۳۸۱؛ توسلی و دیگران، ۱۳۸۱؛ چلبی و دیگری، ۱۳۷۸)، و در برخی هویت ملی سه بعد ملی، جامعه‌ای و انسانی (رزازی، ۱۳۷۶) و در پژوهش‌هایی نیز تنها به سه بُعد سرزمین، دولت و ملت (قیصری، ۱۳۷۷؛ عبداللهی و دیگری، ۱۳۸۱) اشاره شده است.

در این پژوهش هویت ملی را در شش بُعد آن در نظر می‌گیریم: بُعد جغرافیایی (عنصر سرزمین)، بُعد تاریخی، بُعد سیاسی (عنصر حاکمیت)، بُعد زبان و ادبیات ملی (زبان فارسی)، بُعد دینی و بُعد فرهنگی (یا میراث فرهنگی)، که این طبقه‌بندی ابعاد هویت بتواند تمامی عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آن را در بر گیرد.

هم‌چنین متغیر دیگر این نوشتار که رابطه آن با هویت ملی مورد نظر است، متغیر قومیت می‌باشد. صاحب‌نظران مکتب شییکاگو نشان دادند که قومیت و خصوصاً نابرابری‌های مبتنی بر آن ریشه در اختلافات زیست‌شناختی ندارد، بلکه بر عوامل فرهنگی و اجتماعی مبتنی است (کربی، ۱۹۹۹، ص ۱۶۵). با وجود صراحت نسبی در مفهوم قومیت که با شاخصه‌های فرهنگی، مانند زبان، آداب و رسوم و... مشخص می‌شود، مفهوم هویت تأمل بیشتری را می‌طلبد، خصوصاً زمانی که هویت با قومیت ترکیب می‌شود و سازه مشترکی را به وجود می‌آورد (دهقان، ۱۳۸۱، ص ۳۷) نقطه مشترک همه تعابیر به نوعی تمایز و اشاره به «غیریت» و دیگری است که ریشه در زبان، آداب و رسوم، فرهنگ، تاریخ و مذهب دارد (مقصودی، ۱۳۸۰؛ طالب و دیگران، ۱۳۸۲؛ کنیر، ۱۹۹۹، به نقل از صباغ‌پور، ۱۳۸۱؛ دهقان، ۱۳۸۱). به همین خاطر هویت قومی را می‌توان به معنای احساس تعلق و دل‌بستگی به عناصر و نمادهای مشترک هم‌چون زبان، مذهب، آداب و رسوم، پیشینه تاریخی و آیین مشترک در اجتماع قومی دانست (توسلی و دیگران، ۱۳۸۱؛ مقصودی، ۱۳۸۰). در این پژوهش هویت قومی با پنج بعد آن یعنی

زبان و ادبیات ترک، موسیقی ترکی (آذری)، تاریخ قومی، وابستگی قومی و بُعد جغرافیا (عنصر سرزمین) مورد بحث قرار می‌گیرد که منظور از هویت قومی در واقع میزان دل‌بستگی و تعلق خاطر دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشگین‌شهر به هویت ترک (آذربایجان) ایران در پنج مؤلفه تعیین‌شده در این تحقیق و نیز میزان هویت ملی و قومی را با متغیرهای زمینه‌ای همچون، مقطع تحصیلی، سن، تحصیلات، شغل، تأهل و رشته تحصیلی مورد آزمون قرار می‌گیرد. بنابراین سؤال‌هایی که در این مورد مطرح می‌شود به قرار زیر است: ۱- میزان هویت قومی در بین جوانان ترک چقدر است؟ ۲- میزان هویت ملی در بین جوانان ترک چقدر است؟ ۳- آیا بین میزان هویت قومی و ملی در بین جوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

به طور کلی اهمیت و ضرورت تحقیق در رابطه با هویت ملی و قومی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشگین‌شهر از هشت مورد قابل تأمل می‌باشند:

۱- نام‌گذاری سال ۱۳۸۶ به نام سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی از طرف مقام معظم رهبری و اهمیت این موضوع از دیدگاه ایشان.

۲- وجود زمینه‌های بالقوه برای رشد و برجسته شدن هویت قومی که ممکن است با هویت ملی در تعارض باشد.

۳- وجود تفاوت‌های زبانی، قومی استان با سایر اقوام ایرانی و ملی.

۴- اهمیت تاریخی آذربایجان به ویژه شهرستان مشگین‌شهر از نظر سوابق جنبش‌های قومی و بحران قومی.

۵- اهمیت هر یک از هویت ملی و قومی و درک و شناخت کامل رابطه این دو هویت.

۶- ارتباط درک مفاهیم دیگر همچون وحدت ملی، منافع ملی و نظایر آن با درک بحث هویت و سطوح گوناگون آن.

۷- به کارگیری نتایج این گونه پژوهش‌ها در جهت مدیریت خردمندانه مسأله‌ی هویت جمعی به ویژه هویت و وحدت ملی و انسجام جمعی.

۸ - عدم انجام پژوهش درباره رابطه هویت قومی و ملی (در این مورد تحقیقات انجام شده بسیار کم است و بیشتر تحقیق انجام شده درباره هویت، به بررسی هویت ملی و یا

هویت قومی به صورت مستقل و بدون در نظر گرفتن هر دو آن‌ها در کنار هم انجام شده است.)

پیشینه‌ی تحقیق

بررسی تحقیق‌های انجام یافته در کشورمان نشان می‌دهد، موارد پایین بودن گرایش به هویت ملی بیشتر به مؤلفه سیاسی آن یعنی دولت مربوط می‌شود، نتایج یافته‌های تحقیق عبدالهی و حسین‌پور (۱۳۸۱) در زمینه گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران نشان می‌دهد که جوانان بلوچ از تعامل با نمایندگان حکومت جمهوری اسلامی ایران به عنوان نهاد سیاسی غالب در کشور به جای احساس بهره‌مندی و رضایت، احساس تبعیض، محرومیت و عدم رضایت می‌کنند. آنان معتقدند که در جمهوری اسلامی ایران تخصیص بودجه و سایر امکانات به استان‌ها و اقوام نه بر اساس ضوابط و معیارهای عام، بلکه بر مبنای روابط خاص به ویژه هم‌سنخی مذهبی و میزان نفوذ اقوام در حکومت صورت می‌گیرد. بنابراین گرایش قابل توجهی به هویت ملی در بُعد سیاسی ندارند و نسبت به آن‌ها بی‌تمایل می‌باشند. هم‌چنین پایین بودن پیوستگی با نهادهای مدنی به ویژه انجمن‌های علمی و هنری و غیره و به تبع آن پایین بودن گرایش آنان به هویت ملی در بُعد سیاسی مؤید یکی دیگر از دیدگاه‌های جامعه‌شناسی فرد یعنی کنش متقابل نمادینی است که در آن روی فرآیند اجتماعی شدن و نوع و محتوای تعاملات افراد با دیگران و پنداشت‌های آنان از واقعیت اجتماعی تأکید می‌شود. یعنی در استان سیستان و بلوچستان به علت نبود یا ضعف نهادهای مدنی و ضعف عملکرد نهادهای دولتی، تعاملات درون‌گروهی و تقویت ویژگی‌های شخصیتی و گرایش‌های خاص گرایانه از جمله هویت‌های جمعی کوچک و محلی تشدید شده است. ولی در مقابل گرایش به دو بُعد ملت و سرزمین از هویت ملی در حد مثبت و خیلی مثبت در میان جوانان بلوچ مشاهده می‌شود، که این دلیلی بر پیوند قومی این جوانان با ابعاد سرزمینی و اجتماعی هویت ملی می‌باشد.

کاوایانی راد (۱۳۸۰) در بررسی نقش هویت قومی در اتحاد ملی در بین قوم بلوچ، مسایل فرهنگی از قبیل آیین‌های ملی نظیر عید نوروز، سیزده بدر و چهارشنبه سوری و مسایل تاریخی را وجوه اشتراک و علایق قوم بلوچ با ملت ایران و در مقابل تفاوت‌ها و تمایزات قوم بلوچ با ملت ایران را متأثر از حوزه‌های مذهب، ساخت اجتماعی، فاصله

جغرافیایی و غفلت دولت مرکزی را عنوان می‌کند، با در نظر گرفتن دو پژوهش در بین قوم بلوچ می‌توان ابعاد سیاسی و ابعاد مذهبی را به عنوان تمایزات بین دو هویت قومی و ملی و همچنین ابعاد فرهنگی و سرزمین، هویت ملی را وجوه اشتراک در بین دو هویت عنوان کرد.

یکی دیگر از تحقیق‌ها در زمینه هویت که به لحاظ اعتبار و روش‌شناسی در سطح بالایی قرار دارد مربوط به شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی در بین جوانان استان لرستان می‌باشد (فکومی، ۱۳۸۱). محقق در این پژوهش هویت‌سازی را در سه سطح قومی، ملی و جهانی و با استفاده از نه مؤلفه که عمدتاً در چهارچوب مفهوم سبک زندگی قرار می‌گیرد، مورد مطالعه قرار می‌دهد، و میان سه الگوی قومی، ملی و جهانی، تضادها و تقابل‌ها و نیز میزان تبعیت این الگوها از هم و میزان تداخل آن‌ها در یکدیگر را در هر یک از مؤلفه‌های هویت‌سازی بررسی می‌کند. در این قسمت از تحلیل الگوی هویت جهانی به دلیل همسانی با موضوع تحقیق حذف و تنها به دو الگوی قومیت و ملی پرداخته می‌شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که زبان قوی‌ترین عامل هویت‌سازی می‌باشد، و این عامل در سطح ملی در استان کاملاً مؤثر و مهم بوده است و همه مؤلفه‌های دیگر را پشت سر می‌گذارد. در مقابل زبان محلی (قومی) اهمیت کمتری دارد که این امر پدیده‌ای منفی فرض شده است. در مورد مؤلفه احساس تعلق نتایج وجود عناصر بسیار مثبتی در احساس تعلق ملی را نشان می‌دهد، با وجود این در مورد تعلق قومی نمی‌توان چنین امری را مشاهده کرد. ظاهراً تعلق قومی در بسیاری از موارد در زیرمجموعه تعلق (نظیر خانواده و طایفه) شکل می‌گیرد و مانع از شکل‌گیری سطح هویتی قومی می‌شود. در بُعد مشارکت؛ مشارکت سیاسی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت‌سازی می‌باشد که تاثیر بسیار بالایی را نشان می‌دهد و نتایج تحقیق قدرت و پتانسیل نسبتاً خوبی را در هر دو سطح قومی و ملی نشان می‌دهد و نوعی هم‌سازی در دو سطح قومی و ملی مشاهده می‌شود که برای توسعه سیاسی اهمیتی بالایی دارد. اما در بُعد مشارکت فرهنگی و اقتصادی تاثیر این دو مؤلفه در هر دو سطح چندان قابل ملاحظه نیست، که گویای عدم توجه و نداشتن آگاهی نسبت به اهم این دو مؤلفه است. در بُعد مؤلفه موسیقی، این مؤلفه در هر دو سطح مؤثر می‌باشد و تاثیر آن نیز در یافته‌های تحقیق محسوس بوده است. این مؤلفه هر چند در سطح ملی

نسبت به سطح قومی برتری، اما در سطح قومی نیز قابلیت بالایی را نشان می‌دهد. در مؤلفه نام‌گذاری کودکان، این مؤلفه در سطح ملی از قوی‌ترین مؤلفه‌های هویت‌سازی است، در حالی که در سطح قومی کمتر عمل می‌کند، و حتی نوعی گریز از آن مشاهده می‌شود. مؤلفه انتخاب همسر در سطح محلی به شدت مؤثر می‌باشد و تمایل زیادی به همسرگزینی قومی وجود داشته است. برعکس، در سطح ملی این مؤلفه از ضعیف‌ترین موارد بوده است.

در این مطالعه طبقه‌بندی بر اساس کلیه مؤلفه‌ها از نظر شدت تمایلات صورت گرفته است، این طبقه‌بندی بر اساس درصد پاسخ‌های مثبت و در ۷ رتبه تمایلات و رفتارها از بالاترین شدت تا ضعیف‌ترین شدت طبقه‌بندی شده است، اگر بخواهیم به صورت اجمالی این طبقه‌بندی را عنوان کنیم، در رتبه اول مؤلفه‌های احساس تعلق ملی و به دنبال آن مؤلفه زبان ملی و حافظه تاریخی از سطح هویت ملی مشاهده می‌شود، به بیان دیگر مؤلفه ملی به صورت بارزی سایر مؤلفه‌های قومی را کنار می‌زند و نوعی تقابل در دو الگوی قومی و ملی قابل شناسایی است. در رتبه دوم، مؤلفه‌های قومی و ملی بیشترین هم‌سازی را نشان می‌دهد، در سطح قومی مؤلفه‌های حافظه تاریخی و زبان بیشترین اشتراک را در میان گروه‌های مورد مطالعه و در سطح ملی مؤلفه نام‌گذاری کودکان، موسیقی بیشترین گستره را نشان می‌دهد. ضعیف‌ترین شدت تمایلات و رفتار در رتبه ۶ و ۷ قرار دارد، در این میان در سطح قومی مؤلفه‌های نام‌گذاری، مشارکت فرهنگی، احساس تعلق قومی و در سطح ملی همسرگزینی، مشارکت فرهنگی و اجتماعی مؤلفه‌های ضعیف ملی را نشان می‌دهد.

جمع‌بندی از یافته‌های تحقیق‌های مورد بررسی و به‌ویژه تحقیق فکوهی (۱۳۸۱) نشان می‌دهد که ابعاد سرزمین و تعلق به ملت در سطح ملی در همه اقوام مورد مطالعه در سطح بالایی قرار دارد و در عوض میزان بُعد سیاسی و حکومتی به خصوص در قوم بلوچ در سطح پایین می‌باشد، اما تجزیه و تحلیل شکل‌گیری هویتی در استان لرستان نوعی تقابل در دو الگوی قومی و ملی در بُعد احساس تعلق و زبان و نام‌گذاری کودکان مشاهده می‌شود این عدم هم‌سازی و تقویت یک‌جانبه هویت ملی در این مؤلفه‌ها و یا از میان رفتن زبان‌های محلی بخش‌های مهمی از فرهنگ را از میان می‌برد که امری جبران‌ناپذیر خواهد

بود و باعث تقویت یک هویت و تضعیف سایر هویت می‌شود و نوعی تنش و تضاد هویتی ایجاد می‌کند. لذا در تحقیق حاضر به بررسی دو سطح هویت و تداخل‌های میان آن‌ها و عوارض ناشی از آن، خواه مثبت و خواه منفی، خواهیم پرداخت. چرا که مهم‌ترین مسأله در مطالعه‌های فرهنگ‌محور، بررسی همین پیوندها و ارتباطها و تبلورهای «مطلوب» یا «نامطلوب» آن‌ها می‌باشد و ناسازگاری میان این دو سطح هویتی خطرهای مهمی را در پهنه اجتماعی می‌تواند ایجاد نماید.

پیشینه‌ی نظری

هویت قومی

در جامعه‌شناسی، هم‌چون ادبیات رایج سیاسی، عقیده بر آن است که جدا از دیگر انواع گروه‌ها، مثل طبقات و گروه پایگاه، گروه‌هایی وجود دارند که صرفاً قومی هستند، در این معنا آن چه قومیت به آن اشاره دارد، غالباً روشن نیست و گاه نیز ادعای وجود کیفیت اسرارآمیز «آغازینی»^۴ در آن مطرح می‌گردد (جارکس، ۱۳۸۰، ص ۱۶۹). قومیت واژه‌ای است که به طور فرآیند، از دهه ۱۹۶۰ تاکنون برای تفاوت‌های انسانی در حیطه‌ی فرهنگ، سنت، زبان، الگوی اجتماعی و تبار به کار برده می‌شود. کاربرد این واژه با بی‌اعتباری نظریه نژادی که انسان را درون نوع‌های زیستی با تعیین ژنتیکی ثابت مفروض می‌داشت بیشتر شد (احمدلو، ۱۳۸۱، ص ۶۷).

تحلیل بنیان‌گرایانه از قومیت توسط گیرتز^۵ انسان‌شناس آمریکایی، در اثر اولیه‌اش بیان گردیده است گیرتز روابط اجتماعی برخاسته از خویشاوندی، همسایگی، اشتراک زبان، اعتقادات دینی و رسوم را در مقابل با روابطی قرار می‌دهد که مبنای آن‌ها جاذبه فردی، ضرورت تاکتیکی، نفع مشترک یا تعهد اخلاقی است (جان رکز، ۱۳۸۰، ص ۱۶۹).

در بررسی نقش «اقوام» و «قومیت‌ها» در هویت فرهنگی ایرانی، لازم است در ابتدا به این دو مفهوم که گاهی مترادف هم گرفته می‌شود، پرداخت و با توصیف هر یک، نکات افتراق آن دو را شناخت، سپس نقش و جایگاه هر یک را در بنای هویت فرهنگی ایرانیان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. قوم یا گروه با اجتماع کوچک‌تری از یک اجتماع بزرگ‌تر اطلاق می‌شود که تعلقات خونی، نیاکانی و یا اسطوره‌ای موجبات همبستگی و پیوند آنان را بر اساس سلسله مراتب اجتماعی و سیاسی فراهم می‌آورد. حال آن که قومیت به منزله

یک صفت به مثابه تعلق خاطر و دلبستگی به گروه قومی خاص که با شناسه‌های فرهنگی نظیر: زبان، مذهب، آداب و رسوم، پیشینه تاریخی و آیین مشترک و نیز مهم‌تر از همه آگاهی قومی و سیاسی شدن گروه‌های قومی شناخته می‌شود (متصودی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۰).

بنابراین در تعریف هویت قومی سه عامل مهم باید مشخص گردد. اول دامنه و حدود اجتماعی که فرد در آن «ماهای» مختلف را تجربه می‌کند، دوم میزان تعلق، دلبستگی و احساسات و تفکرات فرد نسبت به این اجتماع و سوم عناصر و مؤلفه‌های اصلی این اجتماع. در این پژوهش قومیت مورد نظر ترک‌های ایرانی‌ها می‌باشد که خود نه به صورت یک گروه و قوم بلکه به عنوان جامعه قومی و ملیت قومی مطرح می‌باشد، چرا که ترک‌های آذربایجان ایران چه به لحاظ تداوم سرزمین نه تنها همیشه جزو لاینفک کشور بوده، بلکه به دلیل اهمیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پیوندهای سرزمین و جغرافیایی استوار و محکمی با کشور داشته است. این پیوند عمیق که از یک تداوم تاریخی چند هزارساله حکایت دارد، به خوبی در روان مردم آذربایجان حک شده است. به همین خاطر مؤلفه‌ها و عناصر اصلی این قومیت و دلبستگی و تفکرات افراد آن را می‌توان به زبان ترکی، مذهب شیعه، آداب و رسوم، پیشینه تاریخی و نیز سرزمین (آذربایجان ایران) در نظر گرفت.

در چهارچوب نظریه هویت اجتماعی، از هویت قومی به عنوان یکی از ابعاد چندبُعدی هویت اجتماعی یاد شده است. چندبُعدی بودن هویت قومی به شکل وسیعی آزمون شده است و محققان بسیاری به اهمیت تفاوت ما بین ابعاد متفاوت هویت قومی تاکید کرده‌اند (روزنتال و دیگری، ۱۹۸۵).

بعلاوه سه جنبه مرتبط یا هویت قومی بوسیله (فینی، ۱۹۹۲) پیشنهاد شده است:

الف) هویت خودشناسی به عنوان عضو یک گروه

ب) احساس تعلق به یک گروه قومی

ج) گرایش به سمت یک گروه از طریق استفاده از مؤلفه‌های ویژه مانند: زبان، مذهب، دوستان درون گروه، درون همسرگزینی، مشارکت در سازمان‌های قومی در حالی که عامل هویت قومی توسط فینی تعریف می‌شود؛ اول این که احساس و تفکرهای مرتبط با گروه متعلق با گروه متعلق به خود فرد (غرور قومی و احساسات)^۱ و مؤلفه‌های متمایز که نوعی

تفاوت مابین داخل گروه و خارج گروه را می‌سازد که خود قوم‌مداری از هویت قومی می‌باشد (تعصبات قومی در مقابل اقوام دیگر)^۷.

فینی^۸ مباحث قومی^۹ را احساس دلبستگی خاص به یک گروه قومی به عنوان یک کل، احساسات و گرایش‌های مرتبط با تعلق به این گروه قومی و اظهار علاقه به فرهنگ، تاریخ، آداب و رسوم آن گروه و (ED) تمایزات قومی^{۱۰} را تفاوت مابین گروه‌های قومی بر اساس یک سطح انتزاعی - عینی تعریف می‌کند (فینی، ۱۹۹۲).

به نظر آنتونی اسمیت قوم عبارت است از یک جمعیت انسانی مشخص با یک افسانه اجدادی مشترک، خاطرات مشترک، عناصر فرهنگی، پیوند با یک سرزمین تاریخی یا وطن و میزانی از حس منافع و مسئولیت (اسمیت، ۱۳۷۷، ص ۱۸۶). در این تعریف عناصر مهمی وجود دارند که باید تشریح شوند، اول این که جمعیت انسانی مشخص با یک نام از دیگران متمایز می‌شود. تا زمانی که یک هویت فرهنگی جمعی نام مناسبی دریافت نکند، تا حد زیادی از قابلیت‌شناسی به عنوان اجتماع (هم توسط اعضا و هم توسط بیگانگان) محرم خواهد بود.

دومین چیزی که مهم است نه میراث ژنتیکی، بلکه عقیده به افسانه نیاکان و اجداد مشترک است. این دو ممکن است که با هم تلاقی بیابند یا نیابند، اما مهم اعتقاد به حیاتی بودن توارث مادی و نه واقعیت آن است. قومیت درباره خون و یا ژن‌ها نیست، بلکه افسانه‌ها و عقاید نژاد مشترک را شامل می‌شود.

نکته سوم اهمیت خاطرات تاریخی است. خاطرات قومی منابع التزام اخلاقی اعضا می‌باشد. سنت‌های انتخابی (از جمله افسانه‌ها) به گذشته مربوط است که از نسل‌های قبلی گرفته شده است، گذشته‌ای که در آن حوادث و وقایع معین و مشخص به خاطر سپرده می‌شود و بقیه فراموش می‌شود. این نوع تاریخ برای درک و شعور تاریخ و مقصد مشترک در جوامع قومی، یک منبع قوی خواهد بود. ویژگی چهارم، فرهنگ مشترک است که نسبت به موارد فوق متنوع‌تر است. این اجزای فرهنگی شامل لباس، غذا، موسیقی، حرفه‌ها، معماری، هم‌چنین مقررات، آداب و رسوم و نهادها می‌باشد. معمول‌ترین اجزای فرهنگ مشترک زبان و مذهب است.

ویژگی پنجم، پیوند با یک سرزمین مشخص و معین است. آنچه که برای قومیت اهمیت دارد. حس وابستگی به یک سرزمین حتی از مسافت و فاصله دور است. آخرین عنصر در تعریف هویت قومی همبستگی و وحدت منافع است (همان، ص ۱۸۶). جان رکز^{۱۱} نیز معتقد است قبل از این که بتوان از یک گروه صحبت کرد، باید مشخص ساخت که عناصر متشکله آن چگونه هم‌پوشی دارند. در فرآیند گروه‌سازی، سه عامل را می‌توان مهم دانست: نخست آن که افرادی که اعضای آن را تشکیل می‌دهند از تعلق به گروه نوعی رضایت یا احساس عاطفی گرمی به دست می‌آورند. نکته دوم این که اعضای گروه در مورد خاستگاه خود و یا تاریخ گروه، اعتقاد مشترک دارند و این اعتقاد مرزبندی‌های گروه را مشخص می‌سازد. نکته سوم، اعضای گروه روابط اجتماعی را که در چهارچوب آن زندگی می‌کنند، «مقدس» تلقی می‌کند و آن را نه تنها دربر گیرنده افراد زنده بلکه مردگان نیز می‌داند (جان رکز، ۱۳۸۰، صص ۱۷۰-۱۶۹).

برای به وجود آمدن گروه قومی، گروه باید حداقلی از برخورد با دیگر اقوام را داشته باشد و اعضای گروه باید ایده‌های گروه‌های دیگر را به عنوان تفاوت فرهنگی از سنت خودشان، نگاه کنند. اگر این شرایط نباشد، قومیت وجود ندارد. برای قومیت نمودی از ارتباط و نه یک صفت خاص، اساسی است. بنابراین قومیت یک ارتباط اجتماعی ویژه بین عاملانی است که خودشان را به لحاظ فرهنگی از اعضای گروه‌های دیگر که با آنها حداقلی از کنش متقابل منظم را دارند، متفاوت می‌بینند. به نظر اریکسون، مؤلفه‌های فرهنگی از عناصر لازم قومیت و هویت قومی می‌باشد، ولی کافی نیست. برای ایجاد قومیت و هویت قومی، آگاهی از این عنصر فرهنگی و ارتباط با دیگر قومی نیز ضروری است تا گروه در کنش متقابل با دیگران نباشد، و تا زمانی که در این کنش متقابل به تفاوت‌های خود و دیگران آگاه نباشد، گروه قومی به وجود نمی‌آید (اریکسون، ۱۹۹۳، ص ۱۲).

هویت ملی:

هویت ملی یکی از سطوح تعلق و وفاداری است که عمدتاً بر یک واحد سیاسی به نام «کشور» انطباق دارد و اعضای آن گروه اجتماعی بزرگی به نام «ملت» را می‌سازد که در یک پهنه جغرافیایی زیر حاکمیت سیاسی واحد و مشخصی قرار دارند و از آن طریق

نسبت به هم و نسبت به این کل احساس همبستگی و اشتراک در گذشته، حال و آینده دارند (فکوهی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۲).

هویت ملی در انسجام بخشیدن به جامعه و پیش‌گیری از گروه‌گرده شدن آن نقش اساسی دارد. در واقع هویت ملی چتری سایه‌گستر بر خرده فرهنگ‌هاست که موجب دستیابی به وفاق ملی می‌شود (طالبی، ۱۳۷۸، ص ۶). دسته‌ای از صاحب‌نظران در تعریفی که از هویت جمعی ارائه می‌دهند، عناصری چون «منافع یا اهداف مشترک»، «ارتباط»، «وابستگی و انسجام»، «احساس تعلق»، «آزادی و آگاهی» را از عوامل عمده در تشکیل هویت جمعی برمی‌شمارند: دسته‌ای از صاحب‌نظران معاصر داخلی، چون دکتر چلبی، دکتر عبدالهی و همین‌طور تنی چند از صاحب‌نظران خارجی معاصر، بر عناصری چون «احاطه هویت جمعی بر بخشی از هویت فردی» و «عنصر ممیزه تعهد نسبت به گروه» و «تعلق عاطفی» تاکید می‌کنند.

چلبی «ما»ی تشکیل شده را دارای اخلاقی می‌داند که هم جزئی از فرد است و هم ورای فرد. عبدالهی نیز «هویت جمعی» را معرف آن حوزه و قلمروی از حیات اجتماعی می‌داند که فرد یا ضمیر «ما» خود را متعلق، منتسب و مدیون بدان می‌داند و در برابرش احساس تعهد و تکلیف می‌کند. بدین ترتیب در صورتی که هویت ملی را جامع‌ترین هویت جمعی و یا هویت جامعه‌ای بدانیم، تعریف آن چنین خواهد شد (زرزی‌فر، ۱۳۷۹، صص ۱۰۶-۱۰۵): هویت جامعه‌ای نوعی احساس تعهد و تعلق عاطفی نسبت به اجتماع عام (ملی) می‌باشد که موجب وحدت و انسجام جامعه است و بخشی از هویت فرد را تشکیل می‌دهد.

نظریه‌های مرتبط با روابط بین هویت قومی و ملی:

هر نوع سیاست قومی موجب تعیین نحوه توزیع منابع بین اقوام، محتوی و گستره‌ی تعاملات بین قومی می‌شود. از نظر سیاست‌گذاری مهم‌ترین مطلب آن است که در گروه‌ها در جوامع چندقومیتی در چه قالب سلسله مراتبی نظم و ترتیب یابند. آیا باید به دنبال سلسله مراتبی بود که در آن گروه مسلط، اقتدار عالی را در زمینه حفظ و حمایت از نظام ارزشی خود کنترل کند و پاداش‌ها را نیز به همین صورت تخصیص دهد یا این‌که از

مبانی و اصول دیگری پیروی کند. سه الگوی عمده، ماهیت سیاست قومی را برای تشخیص رابطه هویت قومی و ملی را در جوامع چندقومیتی معلوم می‌کند. الگوی اول: ادغام و استحاله هویت قومی و ملی، الگوی «هماندسازی» (صباغ‌پور، ۱۳۸۱، ص ۱۴۵)، راهبرد یکسان‌سازی یا تک‌شکلی فرهنگی (دهقان، ۱۳۸۱، ص ۳۹).

«هماندسازی قومی» اغلب به حل و جذب ویژگی‌ها، عادات و رسوم فرهنگی گروه‌های اقلیت در فرهنگ حاکم (اکثریت) دلالت دارد که با تمایل به تحمیل ملیت [هویت ملی] در جای قومیت همراه است. این تمایل می‌تواند به صورت فشارهای سخت و خشونت‌آمیز برای سرکوب قومیت‌ها و قوم‌گرایی بروز کند که می‌توان به جرأت ادعا کرد، در هیچ کجای دنیا تاکنون نتیجه مثبتی به بار نیاورده است، یعنی نه فقط قوم‌گرایی را کاهش نداده، بلکه سبب تشدید ضدیت‌ها و دشمنی و تقویت و انسجام درونی قوم‌های مورد سرکوب شده است (فکومی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۱)، اساساً در جهان کنونی با وجود امکانات ارتباطی و اطلاع‌رسانی فراگیر، توفیق چنین سیاست‌هایی غیرممکن می‌نماید. ضمن این که هر گونه تلاش در این جهت نتایج معکوس دارد و در سطح فردی نوعی احساس نابرابری نسبی و تضاد با جامعه و فرهنگ کل را توسعه می‌دهد و نهایتاً هویت ملی را دچار خدشه خواهد کرد. همچنین، با اعمال این سیاست در سطح اجتماعی نیز شاهد بروز اختلال‌های توزیعی و رابطه‌ای خواهیم بود که عملاً نظم اجتماعی و نهایتاً وفاق ملی را در خواهد شکست (دهقان، ۱۳۸۱، ص ۳۹).

الگوی دوم، تکثرگرایی مفرط قومی: راهبرد تکثرگرایی مفرط اشاره به سیاستی دارد که مبتنی بر آن، بدون توجه به موضوع انسجام و وفاق ملی، سعی می‌شود تا قومیت‌های مختلف هم‌عرض یکدیگر توسعه داده شوند (دهقان، ۱۳۸۱، ص ۲۸). در الگوی دوم قومیت‌ها و قوم‌گرایی آزاد گذاشته می‌شود تا رشد طبیعی خود را داشته باشند، که در این روند رشد یک سویه خود آگاهی قومی و به تبع آن تضعیف هویت ملی و وحدت ملی را به دنبال خواهد داشت. به عبارت دیگر، مسأله اصلی نه در بروز، یا حتی احتمال بروز حرکت‌های خشونت‌آمیز و دسته جمعی قومی، بلکه در ایجاد و تشدید بحران هویت ملی است. آنچه در شرایط فعلی کشور ما حائز اهمیت است، ضعف جدی در وفاق، وحدت و همبستگی ملی و عدم شکل‌گیری هویت ملی یکپارچه است، ناگفته پیداست تاکید یکسره بر این نکته

که شکل‌گیری این وضعیت تنها ناشی از رشد هویت‌های محلی است دور از حقیقت است، اما در مقایسه با سایر عوامل نقش برجسته‌تری دارد (حاجیان، ۱۳۷۹، ص ۱۴۱).

الگوی سوم، جامعه چندفرهنگی یا راهبرد وحدت در اکثریت: پیشنهاد یک جامعه چندفرهنگی بر این است که می‌توان بدون تهدید وحدت عام سیاسی یک جامعه ملی، حق اقلیت‌ها را در حفظ زبان خود در متن خانواده و اجتماع گروهی آنها، حق انسجام رسم‌های دینی، حق سازماندهی روابط در چهارچوب خانواده و اجتماع محلی و نیز حق حفظ رسم‌های جمعی آنها را به رسمیت شناخت (جان رکز، ۱۳۸۰، ص ۱۸۰). راهبرد وحدت در اکثریت شاید مناسب‌ترین گزینه‌ای باشد که در قالب آن بتوان، ضمن حفظ و تقویت هویت قومی، اشتراکات ملی را نیز مد نظر قرار داد؛ البته به طوری که حفظ هر یک مستلزم حذف دیگری نباشد. طی این راهبرد از حذف و ادغام قومیت‌ها پرهیز می‌شود، چرا که اگر توفیق حاصل شود و با حذف و کم‌رنگ شدن هویت قومی در بین اقوام مواجه شویم، به طور قطع شرایطی ایجاد خواهد شد که از آن می‌توان به آنومی هویت یاد کرد. یعنی هویت قومی از فرد گرفته می‌شود و هیچ اطمینانی بر پذیرش هویت ملی نیز در آن نیست. در حالت دوم؛ توفیق نداشتن نیز نوعی احساس نابرابری نسبی در فرد رشد می‌کند که به تضاد قومی منجر خواهد شد. در حالی که در گزینه وحدت در کثرت امکان رشد تنوعات، به همراه پذیرش داوطلبانه مشترکات ملی فراهم می‌شود. این حالت، انسجام اجتماعی و هویت ملی را تقویت خواهد کرد (دقتان، ۱۳۸۱، ص ۴۰).

یافتن راه‌های انطباق و هماهنگی میان الگوهای ملی و الگوهای قومی نه تنها از تقویت یک‌سویه قومیت، بلکه از حذف و تقلیل هویت جمعی در هویت ملی جلوگیری می‌کند و باعث توسعه همسوی این دو هویت خواهد شد، که خود نیاز به مطالعه و پژوهش فرهنگی را می‌طلبد. لذا یافتن مؤلفه‌های فرهنگی قومی و ملی، با مطالعه در عرصه فرهنگ راه‌های ایجاد پیوند میان این دو گروه را به وجود خواهد آورد. به بیان دیگر بررسی مؤلفه‌هایی از هویت قومی که باعث افزایش هویت ملی و به نوعی همبستگی ملی می‌شود باید شناسایی و تقویت و ابعادی از هویت ملی که در تناقض با هویت قومی و باعث واگرایی این دو نوع هویت می‌شود، اصلاح و بازسازی گردد.

متغیرها یا مفاهیم اساسی تحقیق

هویت ملی: هویت ملی نوعی احساس تعهد و تعلق عاطفی نسبت به اجتماع عام (ملی) می‌باشد که موجب وحدت و انسجام جامعه است و بخشی از هویت فرد را تشکیل می‌دهد. برای اندازه‌گیری هویت ملی، از مؤلفه‌های هویت ملی که هر کدام از آنها از شاخص‌های چند تشکیل شده‌اند، استفاده می‌کنیم.

هویت قومی: به منزله یک «صفت» به مثابه تعلق خاطر و دلبستگی به عناصر و نهادهای اجتماع قومی است که با شناسه‌های فرهنگی نظیر: زبان، مذهب، آداب و رسوم، پیشینه‌ی تاریخی و آیین مشترک و نیز مهم‌تر از همه «آگاهی قومی» شناخته می‌شود.

ابعاد هویت ملی	شاخص‌های اندازه‌گیری هر یک از ابعاد هویت ملی
جغرافیایی و سرزمین	- ترجیح زندگی در ایران بر سایر نقاط دیگر - افتخار به ایرانی بودن - عشق به سرزمین ایران
تاریخی	- در شرایط فعلی مهم‌ترین مسأله حفظ اتحاد ملی است - وجود احساسات مثبت و منفی به شخصیت‌های تاریخی - وجود احساسات مثبت و منفی به مکان‌های تاریخی - افتخار نسبت به گذشته تاریخی
سیاسی	- نظام جمهوری اسلامی ایران را مایه افتخار دانستن - اعتماد و اطمینان به نظام سیاسی کشور - مودتی بودن حکومت سیاسی
زبان و ادبیات (فارسی)	- دل‌بستگی به زبان فارسی - علاقه به آثار شخصیت‌های ادبی (مانند حافظ، سعدی، مولوی)
فرهنگی	- علاقه به مراسم ملی از قبیل شب یلدا، عید نوروز و چهارشنبه سوری - علاقه به موسیقی اصیل فارسی
دینی	- قبول دین اسلام به عنوان دین کشور - دین اسلام عامل اتحاد و یکپارچگی - علاقه به شخصیت‌های دینی

ابعاد هویت قومی	شاخص‌های اندازه‌گیری هر یک از ابعاد هویت قومی
جغرافیایی (عنصر سرزمین)	- عشق ورزیدن به زیبایی طبیعت استان اردبیل - کوه سیلان مظهر زیبایی و افتخار آذربایجان است - باعث افتخار من است که دیگران مرا به عنوان یک آذری زبان بشناسند.
تاریخی	- میزان احساس مثبت نسبت به شخصیت‌های تاریخی - میزان احساس نسبت به اماکن تاریخی
ادبیات و موسیقی ترکی	- میزان علاقه به موسیقی سنتی ترکی - علاقه فرد به آثار ادب ترکی - علاقه فرد به شخصیت‌های ادبی زبان ترکی
زبان	- اهمیت یادگیری زبان ترکی برای فرزندان به عنوان زبان اول (زبان مادری به جای سایر زبان‌ها) - ضرورت آموزش زبان ترکی به عنوان جزئی از برنامه‌های درس آموزش و پرورش و آموزش عالی - علاقه فرد به یادگیری زبان ترکی - عشق ورزیدن به زبان ترکی
وابستگی قومی (قوم‌مداری)	- میزان علاقه فرد به ارتباط با هم‌قومی‌های خود - میزان علاقه به ادامه زندگی در شهر خود - میزان احساس غرور فرد از ترک بودن خود.

سؤال‌ها و فرضیه‌های تحقیق

- ۱- میزان هویت ملی (با احتساب ابعاد آن) در میان دانشجویان چگونه است؟
- ۲- میزان هویت قومی (با احتساب ابعاد آن) در بین دانشجویان چگونه است؟
- ۳- بین هویت قومی (و ابعاد آن) و هویت ملی (و ابعاد آن) رابطه معنی‌دار وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

نوع تحقیق پیمایشی از نوع همبستگی می‌باشد و برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه که پس از تعریف و انتخاب معرف‌های مناسب برای هر یک از متغیرها، در قالب گویه‌ها و سؤالاتی که بر مبنای مقیاس طیف لیکرت تنظیم و استفاده خواهد شد، و نیز از شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی قشربندی شده (طبقه‌بندی شده) چندمرحله‌ای استفاده شده است. حجم نمونه انتخابی ۲۷۶ نفر می‌باشد که از جامعه آماری تعداد ۱۰۵۰ نفر از میان دانشجویان دانشگاه آزاد واحد مشکین‌شهر در سال تحصیلی ۸۷ - ۸۶ گزینش شده‌اند.

نتایج و یافته‌های تحقیق هویت قومی

آماره‌های توصیفی احساس هویت قومی در بین دانشجویان:

این سازه با کمک ۵ معرف (بعد) اندازه‌گیری که در برگرنده‌ی ۱۶ گویه می‌باشد، به عبارتی احساس هویت قومی به عنوان یکی از متغیرهای اصلی ۵ بُعد و در مجموع ۱۶ گویه دارد، که تمام این گویه‌ها در سطح اندازه‌گیری رتبه‌ای به شکل یک طیف پنج‌گزینه‌ای (کاملاً موافقم، موافقم، بی‌نظم، مخالفم و کاملاً مخالفم) مورد سنجش قرار گرفته‌اند. نتایج سنجش احساس هویت قومی به تفکیک ۱۶ گویه یا سؤالی که برای سنجش آن به کار رفته، در جدول (۱) نشان داده شده است. در جدول مذکور، درصد فراوانی پاسخ‌ها و آماره‌های مربوط به هر پرسش و رتبه‌ی هر یک از گویه‌ها به لحاظ میانگین در بین تمامی سؤال‌ها آمده است. مطابق جدول در مورد همه گویه‌ها یا اجزاء هویت قومی، بیشترین درصد پاسخگویان، بیشترین میزان دل‌بستگی قومی (پاسخ کاملاً موافق در گویه‌های مثبت و کاملاً مخالف در گویه‌های منفی) را ابراز داشته‌اند و متناسب با افزایش مرتبه دل‌بستگی قومی، درصد پاسخگویان نیز افزایش یافته است. در بین عناصر هویت قومی بیشترین احساس دل‌بستگی و سربلندی (کاملاً موافقم) مربوط به گویه‌های بُعد سرزمین و بُعد زبان ۷۹/۸ درصد برای گویه «کوه سبلان مظهر زیبایی و افتخار آذربایجان است» و ۷۵/۳ درصد برای گویه «من به زبان ترکی (آذری) عشق می‌ورزم» و سؤال بُعد ادبیات و موسیقی ۷۰/۷ درصد برای گویه «من آثار ادبیات ترکی (حیدربابا، ...) را دوست دارم»، می‌باشد، علاوه بر این، کمترین آمار تردید (بی‌نظم) به ترتیب مربوط به گویه‌های به «من به زبان ترکی آذری عشق می‌ورزم» و «کوه سبلان مظهر زیبایی و

افتخار آذربایجان است» بوده است. بالاترین میانگین‌ها و کمترین انحراف معیارها (پراکندگی و اختلاف نظر) به ترتیب مربوط به «کوه سبلان مظهر زیبایی و افتخار آذربایجان است» با میانگین ۹۴/۲ و انحراف معیار ۱۲/۸، «من آثار ادبیات ترکی (حیدر بابا،) را دوست دارم» با میانگین ۹۱/۶ و انحراف معیار ۱۴ و «من به زبان ترکی آذری عشق می‌ورزم» با میانگین ۹۰/۶ و انحراف معیار ۱۹ می‌باشد، هر دو یافته مذکور بر اهمیت بعد سرزمین، زبان و ادبیات در تشکیل هویت قومی در بین دانشجویان دلالت دارد.

نکته دیگر که دلالت بر احساس هویت با دل بستگی بالای قومی نزد دانشجویان دارد، مخالفت با گویه‌های ردیف ۱۱ «همواره از اینکه در این شهر به دنیا آمده‌ام پشیمان هستم» است که متضمن نفی هویت قومی است. اما گویه ردیف ۱۳ «اگر دست خودم باشد در آینده می‌خواهم در شهر دیگری (به غیر از مشکین شهر) زندگی کنم» با میانگین ۴۸/۵ کمترین میانگین در بین تمامی گویه‌ها را دارد و بر نداشتن وابستگی قومی دلالت می‌کند.

جدول شماره (۱): آماره‌های احساس هویت قومی و ابعاد مختلف آن

ابعاد	گویه‌های احساس هویت قومی	درصد موافقت (تعداد پاسخگو)						آماره‌ها	
		کاملاً مخالفم	مخالقم	بی نظرم	موافقم	کاملاً موافقم	میانگین	انحراف معیار	رتبه
زبان	من به زبان ترکی (آذری) عشق می‌ورزم	(۴)	(۴)	(۱۲)	(۴۱)	(۱۸۶)	۹۰/۶	۱۹/۸	۳
	آموزش زبان ترکی به عنوان جزئی از برنامه‌های درسی آموزش و پرورش و آموزش عالی در سطح استان‌های آذری اهمیت دارد.	(۶)	(۶)	(۲۲)	(۷۰)	(۱۳۹)	۸۳/۹	۲۳/۱	۹
	یادگیری زبان ترکی برای فرزندان به عنوان زبان اول (زبان مادری) مهم می‌باشد.	(۵)	(۶)	(۱۴)	(۴۹)	(۱۷۱)	۸۸/۳	۲۱/۷	۶
	من به یادگیری زبان ترکی (خواندن و نوشتن) علاقه‌مند هستم	(۵)	(۹)	(۳۳)	(۶۱)	(۱۴۵)	۸۴/۱	۲۳/۶	۸
ادبیات و موسیقی	شعراي زبان ترکی (شهریار، نادراللهی و ...) مایه سربلندی من هستند.	(۱)	(۱)	(۱۴)	(۵۷)	(۱۷۳)	۹۰/۶	۱۶/۲	۴
	من آثار ادبیات ترکی (حیدریابا، ...) را دوست دارم.	(۰)	(۰)	(۱۱)	(۶۱)	(۱۷۴)	۹۱/۶	۱۴	۲
	من به موسیقی سنتی ترکی (اصیل آذری) علاقه‌مند هستم.	(۴)	(۶)	(۳۶)	(۷۸)	(۱۳۳)	۸۳/۴	۲۲	۱۰
	من به زیبایی طبیعت استان اردبیل عشق می‌ورزم.	(۱۱)	(۱۱)	(۲۳)	(۸۹)	(۱۱۰)	۷۸/۳	۲۶/۴	۱۳
سرزمین	کوه سبلان مظهر زیبایی و افتخار آذربایجان است.	(۱)	(۰)	(۴)	(۴۴)	(۱۹۳)	۹۴/۲	۱۲/۸	۱
	باعث افتخار من است که دیگران مرا به عنوان یک آذری‌زبان بشناسند.	(۳)	(۵)	(۱۶)	(۴۸)	(۱۷۲)	۸۹	۲۰/۲	۵
	همواره از این که در این شهر به دنیا آمده‌ام پشیمان هستم.	(۱۱۸)	(۶۲)	(۳۷)	(۱۶)	(۴۰)	۳۵/۲	۳۱/۶	۱۴
وابستگی قومی	من چندین علاقه‌ای به معاشرت با همشهریان خود ندارم.	(۸۴)	(۸۱)	(۳۳)	(۳۱)	(۱۵)	۳۰/۷	۳۰/۵	۱۵
	اگر دست خودم باشد در آینده می‌خواهم در شهر دیگری (به غیر از مشکین شهر) زندگی کنم.	(۶۱)	(۴۵)	(۵۱)	(۲۸)	(۶۲)	۴۸/۵	۳۷/۸	۱۶
تاریخی	ستارخان و باقرخان و ملااماموردی مایه افتخار ما ترکها (آذری‌ها) است.	(۱)	(۵)	(۱۹)	(۶۰)	(۱۶۱)	۸۸/۱	۱۸/۹	۷
	بقعه شیخ حیدر و کهنه قلعه مایه افتخار ماست.	(۷)	(۴)	(۳۰)	(۹۱)	(۱۱۱)	۸۰/۴	۲۳/۲	۱۲
	من علاقه‌مند به آشنایی با تاریخ آذربایجان هستم.	(۴)	(۹)	(۲۹)	(۹۰)	(۱۱۳)	۸۰/۵	۲۲/۷	۱۱

جدول (۲) آماره‌های مربوط به هویت قومی (از مجموع تمامی گویه‌های هویت قومی) و ابعاد مختلف آن که با جمع‌زدن گویه‌های مربوط به هر یک از ابعاد و شاخص‌سازی فاصله‌ای تصنعی بر اساس میانگین، انحراف معیار و تعداد پاسخگویان را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۲): آماره‌های احساس هویت قومی و ابعاد آن در بین دانشجویان

ابعاد هویت قومی	تعداد گویه‌ها	تعداد پاسخگو	میانگین	انحراف معیار
زبان	۴	۲۳۷	۸۶/۷	۱۷/۵
ادبیات و موسیقی	۳	۲۴۳	۸۵/۹	۱۴/۶
سرزمین	۳	۲۳۶	۸۷/۴	۱۳/۸
وابستگی قومی	۳	۲۴۱	۶۵	۲۴/۵
تاریخی	۳	۲۴۰	۸۳	۱۶/۸
هویت قومی	۱۶	۲۱۸	۸۴/۳	۱۲/۱

آماره‌های توصیفی احساس هویت ملی در بین دانشجویان:

نتایج سنجش احساس هویت ملی به تفکیک ابعاد و ۱۹ گویه یا سؤالی که برای سنجش آن منظور شده در جدول (۴) منعکس گردیده است، این متغیر با استفاده از ۶ بُعد (تاریخی، سیاسی، دینی، فرهنگی، سرزمین و زبان و ادبیات) ارزیابی شده است، نتایج نشان می‌دهد که از بین ۱۹ گویه مورد بررسی هر یک از ابعاد، به ترتیب گویه‌های «دین اسلام، دین همه ما ایرانیان و مایه عزت می‌باشد» با میانگین ۹۲/۵ و انحراف معیار ۱۳/۱، «من افتخار می‌کنم که ایرانی هستم» با میانگین ۹۱/۶ و انحراف معیار ۱۴/۹، «فردوسی، حافظ، سعدی و مولوی مایه افتخار ما ایرانیان هستند» با میانگین ۹۰/۵ و انحراف معیار ۱۶/۷ دارای بیشترین میانگین (رتبه) در بین ۱۹ گویه و بالاترین درصد پاسخگویان (پاسخ کاملاً موافق در گویه‌های مثبت و کاملاً مخالف با گویه‌های منفی ستاره‌دار) می‌باشند، همچنین گویه «من به موسیقی اصیل فارسی علاقه‌مند هستم» دارای کمترین آمار پاسخ‌های کاملاً موافق (۱۹/۸) با میانگین ۶۲/۲ و رتبه ۱۹ «نظام سیاسی کشور همواره مورد اعتماد من می‌باشد» با میانگین ۶۶/۳ و رتبه ۱۸ «من به زبان فارسی عشق می‌ورزم» با میانگین ۶۶/۷ و رتبه ۱۷ با کمترین دل‌بستگی و مباهات در بین گویه‌های هویت ملی می‌باشد. گویه بُعد دینی، یعنی دین اسلام دین همه ما ایرانی‌ها و مایه عزت می‌باشد، و گویه بُعد سرزمین «من افتخار می‌کنم که ایرانی هستم» با کمترین انحراف معیار و اختلاف نظر در بین پاسخگویان است که یافته‌های قبلی مبنی بر رتبه بر اساس میانگین را مورد تایید قرار می‌دهد. در حالت کلی باید گفت که دانشجویان در مورد گویه‌های مربوط به بُعد دینی و بُعد سرزمین هویت ملی، با دل‌بستگی بیشتر دارد و نسبت به بُعد سیاسی و زبان فارسی کمترین مباهات را نشان داده‌اند، یعنی این دو مورد نسبت به سایر موارد مقبولیت کمتری

دارد. می‌توان هر یک از سؤال‌ها را بر اساس میانگین به‌دست آمده رتبه‌بندی کرد که در جدول (۴) در ستون آماره‌ها برای هر یک از گویه‌ها رتبه به‌دست آمده در بین ۱۹ سؤال منظور شده است که تقریباً تناسب معکوس با مقادیر انحراف معیار (اختلاف نظر) را دارند. جدول (۳) آماره‌های مربوط به هویت ملی (از مجموع تمامی گویه‌های هویت ملی) و ابعاد مختلف آن که با جمع‌زدن گویه‌های مربوط به هر یک از ابعاد و شاخص‌سازی فاصله‌ای تصنعی بر اساس میانگین، انحراف معیار و تعداد پاسخگویان را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۳): آماره‌های احساس هویت ملی و ابعاد آن در بین دانشجویان

ابعاد هویت ملی	تعداد گویه‌ها	تعداد پاسخگو	میانگین	انحراف معیار
تاریخی	۵	۲۲۵	۷۹/۲	۱۴/۵
سیاسی	۳	۲۳۹	۷۴	۱۹/۸
دینی	۳	۲۳۷	۹۰/۸	۹/۸
فرهنگی	۲	۲۴۲	۶۹/۹	۲۰
سرزمین	۳	۲۴۴	۹۰/۳	۱۳
زبان و ادبیات	۳	۲۳۵	۷۸/۴	۱۸/۸
هویت ملی	۱۹	۲۰۲	۸۱/۳	۱۰/۵

جدول شماره (۴): آماره‌های احساس هویت ملی و ابعاد مختلف آن

ابعاد	گویه‌های احساس هویت قومی	درصد موافقت (تعداد پاسخگو)					آماره‌ها	
		کاملاً مخالفم	مخالفم	بی‌نظرم	موافقم	کاملاً موافقم	میانگین	انحراف معیار
تاریخی	تخت جمشید مظهر معماری و هنر ایرانیان است.	(۳)	(۴)	(۳۷)	(۹۷)	(۹۹)	۷۹/۷	۲۱/۱
	مطالعه تاریخ ایران برای من لذت‌بخش است.	(۷)	(۷)	(۲۹)	(۱۲۶)	(۷۸)	۷۶/۴	۲۲/۴
	امیرکبیر مایه افتخار ما ایرانیان است.	(۳)	(۴)	(۴۸)	(۸۹)	(۹۲)	۷۷/۸	۲۱/۸
	همواره در تاریخ نقش ایران پررنگ بوده است	(۲)	(۴)	(۳۸)	(۱۱۱)	(۹۵)	۷۸/۸	۲۰
	آثار باستانی برج مانده، نشان‌دهنده تمدن کهن ایران است.	(۰)	(۵)	(۲۱)	(۹۳)	(۱۲۵)	۸۴/۶	۱۸/۳
سیاسی	نظام جمهوری اسلامی ایران مایه افتخار است.	(۱)	(۳)	(۱۴)	(۶۶)	(۱۶۳)	۸۹/۱	۱۷/۴
	نظام سیاسی در ایران یک نظام مردمی است.	(۸)	(۲۳)	(۷۲)	(۷۰)	(۶۷)	۶۷/۲	۲۷
	نظام سیاسی کشور همواره مورد اعتماد من می‌باشد.	(۱۳)	(۱۷)	(۷۲)	(۴۳)	(۶۰)	۶۶/۳	۲۷/۱
دینی	شخصیت‌های مذهبی همچون علامه طباطبائی، آیت . . . مشکینی و شهید مطهری، مایه سربلندی هستند.	(۰)	(۰)	(۲۲)	(۹۲)	(۱۲۷)	۸۵/۶	۱۶/۸
	دین اسلام دین همه ما ایرانیان و مایه عزت می‌باشد.	(۰)	(۰)	(۸)	(۵۷)	(۱۷۹)	۹۲/۵	۱۳/۱
	دین اسلام علت اصلی یکپارچگی و اتحاد بین ایرانیان است.	(۰)	(۵)	(۱۶)	(۶۹)	(۱۵۵)	۸۸/۲	۱۷/۷
فرهنگی	عید نوروز و چهارشنبه سوری چیز اضافه و بی‌خود هستند.	(۱۲۹)	(۵۹)	(۲۸)	(۱۴)	(۱۶)	۲۲/۵	۳۰
	من به موسیقی اصیل فارسی علاقه‌مند هستم.	(۱۷)	(۲۳)	(۵۵)	(۹۰)	(۴۸)	۶۲/۲	۲۸/۹
سرزمین	من به سرزمین ایران عشق می‌ورزم.	(۱)	(۲)	(۸)	(۷۵)	(۱۵۹)	۸۹/۷	۱۵/۹
	در شرایط فعلی مهم‌ترین مسأله حفظ اتحاد ملی است.	(۰)	(۰)	(۲۳)	(۸۱)	(۱۴۴)	۸۷/۳	۱۶/۴
زبان و ادبیات	من افتخار می‌کنم که ایرانی هستم.	(۱)	(۴)	(۸)	(۵۵)	(۱۷۷)	۹۱/۶	۱۴/۹
	فردوسی، حافظ، سعدی و مولوی مایه افتخار ما ایرانیان هستند.	(۲)	(۱)	(۱۱)	(۶۰)	(۱۲۲)	۹۰/۵	۱۶/۷
	به نظر من یادگیری زبان فارسی به عنوان زبان مشترک همه ایرانیان امری ضروری است.	(۱۰)	(۸)	(۳۲)	(۸۴)	(۱۱۱)	۷۸/۴	۲۵/۸
	من به زبان فارسی عشق می‌ورزم.	(۱۹)	(۱۶)	(۵۰)	(۹۳)	(۶۰)	۶۶/۷	۲۹

رابطه‌ی بین هویت قومی و هویت ملی:

با توجه به این که سطح اندازه‌گیری هر دو متغیر در مقیاس فاصله‌ای صورت گرفته است به همین خاطر جهت آزمون این رابطه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. جدول (۵) رابطه بین هویت قومی و ابعاد پنج‌گانه آن را با هویت ملی و شش بُعد اصلی را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۵): ضرایب همبستگی هویت قومی و ابعاد پنج‌گانه آن با هویت ملی و ابعاد شش‌گانه آن

هویت ملی / هویت قومی	تاریخی	سیاسی	دینی	فرهنگی	سرزمین	زبان و ادبیات	هویت ملی
زبان	۰/۱۴*	۰/۰۴۵	۰/۰۹	۰/۰۲	۰/۱۱	۰/۱۸۶*	۰/۰۶۴
ادبیات و موسیقی	۰/۲۲۷**	۰/۰۰۸	۰/۰۴۶	۰/۱۲	۰/۰۸	۰/۱۲۴	۰/۱۲۶
سرزمین	۰/۳۱۴***	۰/۱۲	۰/۱۵*	۰/۱۳	۰/۳***	۰/۰۵	۰/۲۴۳**
وابستگی قومی	۰/۱۳	۰/۱۰	۰/۰۴	۰/۱	۰/۱۲	۰/۱۰۷	۰/۱۲۶
تاریخی	۰/۴۱۸***	۰/۱۵۲*	۰/۲۴۵***	۰/۱۲	۰/۲۵۱***	۰/۰۸	۰/۳۳***
هویت قومی	۰/۳۸***	۰/۱۱۷	۰/۱۵۲*	۰/۱۱۸	۰/۲۴۱***	۰/۰۷۹	۰/۲۳۴**

* سطح معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ ** سطح معنی‌داری ۰/۰۱ *** سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱

مطابق جدول (۵) شدت رابطه هویت قومی و هویت ملی در حد متوسط به پایین و ۰/۲۳ که در سطح اطمینان ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد. همچنین هویت قومی بیشترین رابطه را با بُعد تاریخی (۰/۳۸) در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ دارد، و کمترین رابطه (غیرمعنی‌دار) را زبان و ادبیات هویت ملی دارد، هویت ملی نیز بیشترین رابطه را به ترتیب با بُعد تاریخی (۰/۳۳) در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ و سرزمین (۰/۲۴) در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ و رابطه‌ای با سه بُعد زبان، وابستگی قومی و ادبیات و موسیقی هویت قومی ندارد. در حالت کلی زبان در هر دو هویت (قومی و ملی) کمترین رابطه با ابعاد هویت مقابل را دارد. نکته دیگر رابطه معنی‌دار و منفی (معکوس) زبان هویت قومی با بُعد زبان و ادبیات هویت ملی دارد و رابطه منفی (غیرمعنی‌دار) دو بُعد وابستگی قومی و ادبیات و موسیقی هویت قومی با بُعد زبان و ادبیات هویت ملی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

– مطابق نتایج تحقیق بین دو هویت قومی و ملی در بین دانشجویان رابطه معنی‌دار مستقیم و مثبت (۰/۲۳) وجود دارد، یعنی این دو هویت نه تنها منافاتی با هم ندارند، بلکه تقویت‌کننده‌ی هم‌دیگرند. ابعاد دو هویت نیز در رابطه با هویت قومی و ملی رابطه مثبت و

مستقیم دارد (به استثنای بُعد زبان و ادبیات هویت ملی) لذا بحث اساسی و مهم رابطه بین این دو هویت (قومی و ملی) و چگونگی آرایش آن‌ها در کنار هم می‌باشد. بدین معنا که هر کدام یکدیگر را می‌سازد و اهمیت کدام هویت در قیاس با دیگری پُررنگ می‌باشد. آیا هویت قومی ساختار اصلی هویت ملی - ایران را می‌سازد و یا برعکس؟ و این‌که این دو مقوله جدا از هم بوده است و هر یک به طور مستقل موجودیت خود را می‌سازد و یا وابستگی متقابل با هم دارند و در کنار هم معنی می‌یابند؟

به استناد نتایج این تحقیق در جامعه‌ی مورد مطالعه، می‌توان گفت هویت ایرانی و هویت قومی در واقع مفاهیم متفاوت، دور از هم و جدا از یکدیگر نیستند، چرا که هویت قومی به هویت فرهنگی ایرانی متصل است و از طرف دیگر هویت فرهنگی ایرانی، الگوی پیچیده‌ای متشکل از گروه‌های مختلف قومی است که به رغم الگوهای مختلف فرهنگی، هویت کلان فرهنگی ایرانی را شکل بخشیده‌اند.

هویت فرهنگی مردم ایران خود به نوعی جنبه‌های عام و فراگیر فرهنگ و هویت گروه‌های قومی بوده است که در گذر زمان شکل یگانه، واحد و فراقومی در حد و اندازه یک ملت کهن و دیرپا، یافته است. از طرف دیگر هویت فرهنگی - ملی ایرانی چتر گسترده‌ای است که هویت‌های محلی - قومی را در درون خود دارد و عنصر پیونددهنده‌ی اقوام است. یا به تعبیر دیگر، هر یک از اقوام تشکیل دهنده هویت فرهنگی ایران در حالی که برخوردار از هویت قومی ویژه‌ای هستند در عین حال زمینه گسترده‌ای از مشترکات، هویت فرهنگی یگانه آن را موجب شده است.

هر هویت ملی دربرگیرنده‌ی هویت قومی است و هر هویت ملی به هویت قومی نیاز دارد و این دو به گونه‌ای جدایی‌ناپذیر در فعالیت یا عملکرد جاری حیات اجتماعی در هم تنیده‌اند.

فرهنگ در سطح ملی، با ارایه هویت و تعلق ملی به مثابه‌ی تنها هویت یا حتی به مثابه‌ی مهم‌ترین هویتی که بتواند سایر هویت‌ها و تعلق‌های فرهنگی را کنار گذارد و خود را تحمیل نماید، چندان با واقعیت تطبیق ندارد. از منظر پیش‌بینی علمی و درس‌آموزی از مباحث مطروحه و تحولات اخیر دور از ذهن نمی‌نماید که هویت فرهنگی ایران در صورتی که با تعقل و تدبیر و اتخاذ تمهیدات لازم همراه نباشد، با چالش‌هایی از سوی

هویت‌خواهی قومی و ظهور جنبش‌های رادیکال قومی روبرو شود. از طرف دیگر آن روی سکه یعنی افزایش تعصبات قومی در مقابل هویت ایرانی به اندازه سنگینی هویت ملی در مقابل هویت قومی نیز خطرناک و عواقب جبران‌ناپذیر در پی خواهد داشت.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بُعد زبان یکی از قوی‌ترین عامل هویت‌سازی در سطح قومی در جامعه آماری کاملاً مؤثر و مهم بوده است و همه مؤلفه‌های دیگر را پشت سر می‌گذارد (پس از بُعد دینی هویت ملی و بُعد سرزمین هر دو هویت). زبان واحد به خودی خود، شرط لازم برای به وجود آمدن و تقویت مفهوم ملت واحد نیست. از این رو علاوه بر تقویت زبان فارسی می‌بایست تقویت زبان‌های قومی را نیز در دستور کار قرار داد تا بتوانیم به شکوفایی فرهنگ‌های قومی کمک کنیم. پس در بحث هویت قومی هم‌چنان که زبان به عنوان یکی از عناصر اصلی مطرح می‌گردد، اهمیت این مفهوم در هر قومیت نیز پوشیده نمی‌باشد و جزو لاینفک در هویت فرهنگی هر فرد می‌باشد، که خود نیازمند پرداخت دقیق و صحیح به این موضوع می‌باشد که لازمه آن مدیریت فرهنگی صحیح و ایجاد بسترهای مناسب برای حفظ این میراث فرهنگی قومیت ترک می‌باشد.

بررسی وضعیت موجود ما را با چالش‌های مهم روبرو می‌سازد. که در این رابطه می‌توان به عدم تدریس زبان ترکی در طول دوره تحصیلی ابتدایی تا سطح عالی در دانشگاه و مدارس و نیز مقایسه آن با تدریس عناوین مختلف زبان‌های خارجی و در برخی از موارد زبان اقلیت‌های دینی اشاره کرد، در حالی که حدود ۸۶ درصد از پاسخگویان در تحقیق حاضر با گزینه «آموزش زبان ترکی به عنوان جزئی از برنامه‌های درس آموزش و پرورش و آموزش عالی در سطح استان‌های آذری اهمیت دارد» پاسخ مثبت داده‌اند. لذا بحث ارتباط هویت قومی و ملی و بازخوانی تعریف دقیقی از این دو مقوله مستلزم اتخاذ تمهیدات لازم در رابطه با زبان ترکی می‌باشد که عدم توجه صحیح آن به جای تقویت هویت قومی و به طبع آن داشتن هویت ایرانی مستحکم به انزوای هویت قومی در نتیجه عدم دستیابی به هویت ملی در خور این مرز و بوم کهن می‌انجامد.

- از بین ۲ متغیر که احساس هویت ملی را به طور معنادار تحت تاثیر قرار می‌دهد. متغیر بُعد تاریخی هویت قومی به صورت مثبت ولی متغیر زبان هویت قومی به صورت معکوس و منفی و همچنین خود هویت قومی توسط بُعد تاریخی هویت ملی به صورت

مثبت ولی از طرف بُعد ادبیات و زبان فارسی به صورت منفی تحت تاثیر واقع می‌شود، لذا نوعی تقابل بین زبان دو هویت هم با یکدیگر و هم در رابطه با هویت‌های مقابل مشاهده می‌گردد، که این موضوع باید بیشتر مورد توجه کارشناسان امر قرار گیرد.

پیشنهاده‌ها

۱- نتایج تحقیق نشان می‌دهد، در بین ابعاد هویت قومی کمترین میانگین به بُعد وابستگی قومی (۶۵) تعلق دارد، این مقدار در مقایسه با ابعاد هویت ملی نیز در سطح پایین قرار دارد، این امر نوعی بدبینی نسبت به شهر در بین دانشجویان را حکایت دارد که بیشتر ناشی از عدم علاقه به ماندن در مشکین‌شهر است (مراجعه شود به جدول ۴)، لذا توجه به این موضوع که جوانان رغبت کمتری نسبت به شهر خود دارند و بیشتر آن‌ها برای ادامه زندگی مهاجرت از شهر خود را می‌خواهند، باید بیشتر مورد توجه مسئولین امر قرار گیرد و به عنوان تهدید اساسی به چالش کشیده شود که به نیازسنجی جوانان و برنامه‌ریزی عملی برای ارتقای علاقه‌ی آن‌ها به شهرستان نیاز دارد.

۲- علاقه به موسیقی اصیل آذری در بین دانشجویان (با میانگین ۸۳/۴) و موسیقی اصیل فارسی ۶۲/۲ می‌باشد (مراجعه شود به جدول ۴ و ۵)، لذا جهت تقویت فرهنگ بومی و مبارزه با تهاجم فرهنگی به خصوص در زمینه موسیقی و میل دادن جوانان به موسیقی اصیل، برنامه‌ریزی و آموزش موسیقی اصیل در کنار سایر برنامه‌های فرهنگی دانشگاه به ارتقای فرهنگ ملی و قومی و به تبع آن مبارزه با گرایش جوانان به موسیقی مبتذل غربی بسیار مؤثر خواهد شد.

۳- نتایج تحقیق میزان علاقه دانشجویان به موضوع زبان و ادبیات ترکی را در سطح بالا نشان می‌دهد، لذا برگزاری برنامه‌های دانشگاهی تحت عناوین همایش و جلسات شب شعر و موسیقی ترکی در الویت قرار گیرد.

۴- تقابل بین دو زبان (ترکی و فارسی) با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری از سوی مسئولان دانشگاه می‌تواند این موضوع را از تهدید به فرصت تبدیل نماید، لذا اطلاع‌رسانی به استادان جهت پُرکردن خلأ رابطه بین این دو متغیر کار اجتناب‌ناپذیر می‌باشد، به‌ویژه در حوزه‌ی ادبیات.

زیر نویس‌ها

- | | | | |
|-----------------|----------------------------|--------------|------------------|
| 1- Phinney | 2- John Rex | 3- Ethnicity | 4- Primordiality |
| 5- Geertz | 6- EP | 7- ED | 8- EP |
| 9- ethnic pride | 10- ethnic differentiation | 11- John Rex | |

منابع

۱- آخوندی، محمدباقر. بررسی هویت ملی و مذهبی جوانان مشهد و تاثیر روابط اجتماعی بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. ۱۳۷۷.

۲- احمدلو، حبیب. رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس. ۱۳۸۱.

۳- احمدی، حمید. هویت ملی ایرانی: بنیادها، چالش‌ها و بایسته‌ها. فصلنامه پژوهش فرهنگی. سال هفتم. دوره جدید. شماره ۶. تابستان ۱۳۸۲.

۴- اسمیت، آنتونی. منابع قومی ناسیونالیسم. فصلنامه مطالعات راهبردی. سال اول. پیش شماره اول. ۱۳۷۷.

۵- الطائی، علی. بحران هویت قومی در ایران. چاپ اول. تهران: نشر ستارگان. ۱۳۷۸.

۶- پرتون، رولان. قوم‌شناسی سیاسی. ترجمه: ناصر قکوهی. تهران: انتشارات نشر نی. ۱۳۸۰.

۷- توسلی، غلامعباس و دیگری. مناسبات قومی. رابطه آن با تحول هویت جمعی. فصلنامه مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره چهارم. شماره ۴. زمستان ۱۳۸۱.

۸- چلی، سعید. جامعه‌شناسی نظم. نشر به تهران. ۱۳۷۵.

۹- چلی، سعید و دیگران. هویت‌های قومی و رابطه آن با هویت ملی در ایران. تهران: دفتر امور اجتماعی وزارت کشور. ۱۳۷۸.

۱۰- حاجیان، ابراهیم. تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه. فصلنامه مطالعات ملی. سال دوم. شماره ۵. پائیز ۱۳۷۹.

۱۱- حاجی‌خیاط، علیرضا. بررسی وضعیت هویت ملی کارکنان بخش اجرایی دولت در استان آذربایجان شرقی. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آذربایجان شرقی. ۱۳۸۳.

۱۲- درایسدل، اولیویک ج. ا. ج. جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا. ترجمه: دره میرحیدر. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. ۱۳۷۳.

۱۳- دوران، بهزاد. هویت ملی و تعامل در فضای سایبرنتیک. فصلنامه نامه پژوهش فرهنگی. سال هفتم. دوره جدید. شماره ۶. تابستان ۱۳۸۲.

۱۴- دهقان، حسین. هویت قومی و وفاق ملی. مجله آموزش علوم اجتماعی. دوره جدید. شماره ۲. ۱۳۸۱.

۱۵- ذکایی، محمدسعید. خرده فرهنگ سبک زندگی و هویت. آموزش علوم اجتماعی. شماره ۲. نشر سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش. ۱۳۸۱.

۱۶- رزازی، فرانسوا. الگوی جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران. فصلنامه مطالعات ملی. سال دوم. شماره ۵. پائیز ۱۳۷۹.

۱۷- رکن، جان. اقلیت‌های قومی و دولت ملی. جامعه‌شناسی سیاسی جوامع چندفرهنگی. ترجمه: محمدسعید ذکایی. فصلنامه مطالعات ملی. سال دوم. شماره ۸. تابستان ۱۳۸۰.

۱۸- صباغ‌پور، علی‌اصغر. جهانی‌شدن، حاکمیت ملی و تنوع قومی در ایران. فصلنامه مطالعات ملی. سال دوم. شماره ۱۱. بهار ۱۳۸۱.

۱۹- طالبی، سکنیه. تحول هویت ملی دانش‌آموزان دختر دوره‌های تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی. تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس. ۱۳۷۸.

۲۰- عبدالمهدی، محمد و دیگری. گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران. فصلنامه، مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره چهارم. شماره ۴. زمستان ۱۳۸۱.

۲۱- عربی، حمیدرضا و دیگری. رابطه رویکردهای عدالت اجتماعی با مولفه‌های برابری سیاسی. فصلنامه رفاه اجتماعی. سال چهارم. شماره ۱۶. بهار ۱۳۸۴.

۲۲- قکوهی، ناصر. شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی. مطالعه موردی لرستان. فصلنامه، مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره چهارم. شماره ۴. زمستان ۱۳۸۱.

۲۳- قسری، نوراله. قومیت عرب و هویت ملی در ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی. سال اول. پیش شماره اول. ۱۳۷۷.

۲۴- کفایش، جمشید. زمینه‌های انسجام ملی در آذربایجان ایران. فصلنامه مطالعات ملی. سال چهارم. شماره ۱۶. ۱۳۸۲.

۲۵- محسنی، منوچهر و دیگری. رضایت اجتماعی در ایران. تهران: انتشارات آرون. چاپ اول. ۱۳۸۲.

۲۶- معمار، رحمت‌اله. سنجش گرایش به هویت تاریخی. تهران: اداره کل مطالعات مرکز تحقیقات و سنجش برنامه‌های سازمان صدا و سیما. ۱۳۷۸.

۲۷- مقصودی، مجتبی. تحولات قومی در ایران به علل زمینه‌ها. تهران: موسسه مطالعات ملی. ۱۳۸۰.

۲۸- مقصود، مجتبی. قومیت‌ها و هویت فرهنگی ایران. فصلنامه پژوهش. سال ششم. شماره ۲۳. ۱۳۸۰.

۲۹- کاویانی، راد. مراد. بررسی نقش هویت قومی در اتحاد ملی مطالعه موردی مردم بلوچ. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس. ۱۳۸۰.

۳۰- یوسفی، علی. طبقه‌بندی اجتماعی اقوام در ایران. تحلیل ثانویه یک تحقیق قومی. فصلنامه مطالعات ملی. سال سوم. شماره ۹. پائیز ۱۳۸۰.

31- Aune, v. k. Ethnic Identity, Ethnic Attitudes, self - Esteem, and Esteem Toward ... Journal of Adolescent Research, Vol. 15 No. 6, 637 - 651. 2000.

32- Eriksen, Tomas H. Ethnicity and Nationalism, London, Pluto press. 1993.

33- Kirby Mark. Stratification and Differentiation. Mac Millan Press Ltd London. 1999.

34- Minderovic, zoran. Ethnic Identity. Gale Encyclopedia of childhood & Adolescenc. 1998.

35- Naisbitt, John. Global paradox, New york, William Morrow & Co, Inc. P. 34. 1994.

36- Ommen, T. K. Citizen ship, P. 36. 1997.

37- Rosenthal, D. & Hrynevich, C. Ethnicity and ethnic identity: A Comparative Study of ... International Journal of psychology, 20, 723 - 742. 1985.